

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

RS

تله ترامپ برای عربستان

با گذشت یک ماه از آتش‌بس شکننده در غزه، فلسطینی‌ها مهلت کوتاهی از توقف خشونت و ادامه آزادی گروگان‌های اسرائیلی و فلسطینی‌های زندانی را تجربه می‌کنند اما بحث در مورد آینده غزه منعکس‌کننده برنامه‌های کشورهایی است که در بحران جاری سهم دارند. هنگامی که آتش‌بس آغاز شد، غزه از تیر اخبار محو شد. تا زمانی که ترامپ دوباره بحث را برانگیخت و اعلام کرد که ایالات متحده غزه را اشغال می‌کند، ساکنان آن را جابه‌جا می‌کند و آن را به «بهشت خاورمیانه» تبدیل می‌کند. او همین هفته گذشته اعلام کرد: «ما غزه را قبول خواهیم کرد، ما غزه را نگه می‌داریم.» این نتیجه‌ای است که حتی دولت اسرائیل هم باور نمی‌کرد می‌تواند به آن دست یابد. اگر چه در اوایل جنگ، این ایده مطرح شده بود که مصر و اردن می‌توانند تعدادی از آوارگان غزه را بپذیرند، دولت اسرائیل به ریاست بنیامین نتانیاهو، سیاست آوارگی داخلی برای فلسطینی‌ها را اتخاذ کرده بود و بخش‌های بزرگی از جمعیت را در داخل غزه به منظور تسهیل نقشه‌برداری ارتش اسرائیل و تخریب تونل‌ها و انجام حملات علیه حماس اتخاذ کرده بود. ترامپ موضوعش را تشدید کرد و گفت اگر قرار است حماس از غزه حذف شود، همه باید بروند. اظهارات ترامپ موجب شد تا نتانیاهو یک طرح مناسب «روز بعد» به‌دست آورد. برای کسانی که با چشم‌انداز افزوده شدن جمعیت دیاسپورای فلسطینی مواجه می‌شوند، آسیب واقعی بازی‌های ترامپ این نیست که ممکن است این طرح به یک واقعیت تبدیل شود، بلکه این است که این طرح توجه را از تلاش‌ها برای توسعه یک استراتژی واقعی پس از جنگ منحرف کرده است. شاید همانطور که پروفیسور گرگوری گاوز اخیراً استدلال کرد، تهدید ترامپ هدف دیگری را دنبال می‌کند. ترامپ با پیشنهاد اخراج فلسطینی‌ها از غزه، اقدامی عمداً تحریک‌آمیز انجام می‌دهد تا بر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس - به‌ویژه عربستان سعودی - برای تأمین بودجه بازسازی غزه و عادی‌سازی روابط با اسرائیل فشار بیاورد. به گفته گاوز، این بازی منعکس‌کننده تهدید نتانیاهو در سال ۲۰۲۰ برای الحاق بخش‌هایی از کرانه باختری است. این بازی در نهایت منجر به عادی‌سازی روابط امارات با اسرائیل در ازای توقف طرح الحاق شد، اینکه آیا این واقعه استراتژی ترامپ است، مهمتر از این واقعیت است که بازسازی غزه برای هر مذاکره معنادار با پایان پایدار درگیری ضروری است، چه رسد به یک توافق صلح جامع. اساساً، برای جلوگیری از وقوع یک فاجعه انسانی و تخریب چندندسلی جامعه فلسطین، بازسازی غزه ضروری است. در حالی که بسیاری از مردم غزه از حماس انتقاد می‌کنند، اما آنها عمدتاً از مبارزه مسلحانه علیه اسرائیل حمایت کرده و این باور واقعی را پذیرفته‌اند که فلسطین در نهایت پیروز خواهد شد. نابودی کامل غزه خطر تقویت این ذهنیت حداکثری را در میان مردم غزه به همراه دارد، زیرا اکنون ممکن است احساس کنند چیزی برای از دست دادن ندارند. رها کردن غزه در تباهی و ویرانی کنونی خود یک اشتباه بزرگ خواهد بود. هر چند برای اسرائیل، احتمالاً این موضوع مشکلی نیست. با این شرایط اسرائیل می‌تواند غزه‌ها را از نفوذ مستقیم به قلمرو خود باز دارد و کنترل شدیدی بر مبادی ورودی اعمال کند. علاوه بر این، بسیاری از اسرائیلی‌ها احتمالاً این دیدگاه مردم غزه را دارند که چیزی برای از دست دادن باقی‌نمانده است و رویارویی مسلحانه تنه‌اره برای پیروزی نهایی است اما اگر شما بر یک کشور عربی در مجاورت غزه حکومت می‌کنید، باید انتظار داشته باشید که برخی از مردم غزه، که به دلیل جنگ اخیر رادیکال شده‌اند و مشتاق انتقام هستند، از آنجا به شهرهای شما فرار کنند. مصر نزدیک به ۲۰ سال با این چالش روبه‌رو بود و در این فرآیند یک رئیس‌جمهور را به دلیل ترور از دست داد. اردن در سال‌های ۱۹۷۰-۱۹۷۱ و لبنان به نوبه خود از اواسط دهه ۱۹۷۰ به بعد از این مشکل رنج بردند. در اوایل دهه ۲۰۰۰، نوبت به سعودی‌ها رسید تا یازده سپتامبر را رقم بزنند.

دیپلماسی
DIPLOMACY



نگاه
تحلیلی

نتیجه معکوس فشار حداکثری

کمپین دولت ترامپ چگونه می‌تواند همکاری‌های هسته‌ای ایران و روسیه را تقویت کند؟



عکس: Vyacheslav Prokofyev

روسیه در سوریه مؤثر بود. اما این اقدامات حضور نظامی ایران در منطقه را بیشتر تقویت کرد و مقامات اسرائیلی را نگران کرد و آنها با افزایش تلاش‌ها برای محدود کردن دخالت ایران در سوریه به این اقدامات پاسخ دادند. دانیامیک جدید در سوریه در ماه مه سال ۲۰۲۲ آشکار شد. در آن زمان، نیروهای روسیه مستقر در سوریه برای اولین بار از موشک‌های ضدهوایی اس-۳۰۰ روسیه علیه جت‌های اسرائیلی استفاده کردند که به اهدافی در شمال غربی سوریه حمله می‌کردند. با این حال، اسرائیل تا حد زیادی در مورد جنگ اوکراین سکوت اختیار کرد تا همکاری روسیه در سوریه حفظ شود. نتانیاهو در مصاحبه‌ای در ماه مارس سال ۲۰۲۳ تأکید کرد که خلبانان اسرائیلی «در هماهنگی بسیار نزدیک» با خلبانان روسی عمل می‌کنند. متعادل کردن ناآرامی که روسیه به آن دست یافته بود به طور فزاینده‌ای در حال تزلزل بود و مشخص بود که حوادث پس از حمله حماس در ۷ اکتبر این توازن را نابود کرد.

❖ نمی‌توان همه را راضی کرد

اتکای عمیق مسکو به حمایت نظامی ایران، مسیر همکاری عمیق‌تر ایران و روسیه در خاورمیانه را باز کرد. در حالی که بازیگران مورد حمایت ایران، از جمله حوثی‌ها در یمن و شبه‌نظامیان در عراق و سوریه، در سراسر منطقه برای حمله به اسرائیل پس از ۷ اکتبر بسیج شدند، روسیه هرگونه تظاهر به بی‌طرفی را کنار گذاشت. براساس گزارش وال استریت ژورنال، در یمن، مسکو داده‌های ماهواره‌ای را از طریق عوامل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ارائه کرد تا توانایی هدف‌گیری حوثی‌ها علیه کشتی‌های در حال تردد در دریای سرخ را افزایش دهد و با یک معامله تسلیحاتی ۱۰ میلیون دلاری با حوثی‌ها، تحت عنوان بسته کمک‌های بشردوستانه، موافقت کرد. در لبنان، مسکو انتقال تسلیحات پیشرفته به حزب‌الله را تسهیل کرد؛ از جمله موشک‌های هدایت‌شونده ضدتانک پیشرفته که بعداً علیه اهدافی در داخل اسرائیل مورد استفاده قرار گرفتند. روسیه همچنین به نیروهای تحت حمایت ایران آزادی عملیات بیشتری در بلندی‌های جولان اعطا کرد، شاید مهمترین نشانه تغییر رفتار روسیه در قبال اسرائیل، امتناع پوتین و مقامات روسی از صدور هرگونه بیانیه محکومیت یا سرزنش حماس در روزهای پس از ۷ اکتبر بود. در عوض، در ۱۳ اکتبر، پوتین نیروهای دفاعی اسرائیل را با نازی‌ها مقایسه کرد و به خبرنگاران گفت که نقشه‌های اسرائیل در غزه «قابل مقایسه با محاصره لنینگراد در طول جنگ بزرگ میهنی» است. پاسخ اسرائیل به ۷ اکتبر ضربات سنگینی به شبکه متحدان و شرکای غیردولتی ایران وارد کرد. علاوه بر هدف قرار دادن حماس در غزه، اسرائیل محاصره زمینی و هوایی مؤثری ایجاد کرد که تحرکات نیروهای ایرانی و تدارکات را در سوریه برای حزب‌الله تا پایان سال ۲۰۲۳ قطع کرد. این کمپین اسرائیل، ۱۶ فرمانده ارشد حزب‌الله از جمله رهبر آن، حسن نصرالله را ترور کرد و حضور حزب‌الله در جنوب سوریه و مناطق مستحکم آن در لبنان را از بین برد. ایران به‌رغم سیاست دیرینه خودمبنی بر اجتناب از رویارویی مستقیم با اسرائیل، در آوریل و اکتبر سال ۲۰۲۴، دو حمله موشکی و پهپادی جداگانه علیه اسرائیل انجام داد. اقدام تلافی جویانه اسرائیل در ماه اکتبر، که سایت‌های تولید موشک و سایت‌های دفاع هوایی را در سراسر کشور هدف قرار داد، پیامدهای گسترده‌ای داشت. در این حمله چهار سامانه اس-۳۰۰ روسیه و سامانه‌های دفاع هوایی ایران منهدم شد و توانایی ایران برای دفاع از خود در برابر حملات آینده تضعیف شد.

آزمایش‌شده در نبرد در صورت گسترش همکاری‌های نظامی روسیه با ایران، مفید خواهند بود. کانال‌های همکاری موجود میان ایران و روسیه، مانند ساختارهای فرماندهی یکپارچه، پروتکل‌های به اشتراک گذاشتن اطلاعات، و کانال‌های تدارکاتی که در سوریه ساخته شده بودند، در خصوص اوکراین مورد استفاده قرار گرفتند. روسیه همچنین برای دریافت حمایت مستقیم نظامی به‌ویژه در زمینه فناوری هوایی‌های بدون سرنشین و تولید مشترک دفاعی به ایران متوسل شد. روسیه به موازات همکاری نظامی خود با ایران، روابط دیپلماتیک دقیقی با اسرائیل برقرار کرد. آنچه که به عنوان یک کانال منازعه‌زدایی که برای جلوگیری از درگیری‌های نظامی سهوی در سوریه ایجاد شد، به دیپلماسی فعال بین‌بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل و ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه تبدیل شد که منجر به برگزاری ده جلسه در سطح بالا با تمرکز بر حمایت روسیه از اسدو حضور ایران در سوریه بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ شد. در مقابل، نتانیاهو موافقت کرد که به نیروهای اسد اجازه دهد به بلندی‌های جولان بازگردند و حملات اسرائیل در سوریه را محدود کند تا از بی‌ثباتی بیشتر حکومت اسد جلوگیری شود.

نتانیاهو از روابط خود با روسیه در راستای منافع داخلی خود استفاده کرد و از روابط نزدیک خود با پوتین در مبارزات انتخاباتی ۲۰۱۹ برای نشان دادن اعتبار خود به عنوان یک بازیگر زیرک در صحنه جهانی استفاده کرد. در همین حال، اسرائیل برنامه‌های خود را از طریق «کمپین بین جنگ‌ها» دنبال کرد که هدف آن جلوگیری از ایجاد زیرساخت‌های نظامی دائمی توسط ایران در سوریه و ایجاد اختلال در مسیرهای تدارکاتی ایران به حزب‌الله از طریق عملیات‌های مخفیانه و حملات هوایی بود.

قبل از تهاجم گسترده روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲، مسکو در حفظ روابط خود با ایران و اسرائیل به مشکل خورد چراکه تهران و تل‌آویو هر یک منافع خود را دنبال می‌کردند. از اینجا بود که مشکل سیاست تعادل منطقه‌ای روسیه آشکار شد. از یک سو، مسکو تصمیم گرفت که عملیات اسرائیل علیه ایران و متحدان غیردولتی آن در سوریه را نادیده بگیرد. بر اساس ارتباطات واتس‌آپی که اخیراً توسط گروه شورشی هیئت تحریر الاشام در دمشق ضبط شده است، روسیه تلاش کرده است تا یک ملاقات در کرملین بین اسد و یوسی کوهن، رئیس وقت موساد در اواخر سال ۲۰۱۹ ترتیب دهد تا نفوذ ایران در سوریه را محدود کند اما اسد در نهایت این پیشنهاد را نپذیرفت. اما از سوی دیگر، مسکو برای حمایت از حکومت اسد با ایران همکاری می‌کرد و به‌طور مخفیانه مستقیماً حزب‌الله را مسلح می‌کرد. براساس اطلاعات اسرائیل، بیش از ۷۰ درصد تسلیحات حزب‌الله که در لبنان به دست آمده، ساخت روسیه بوده و مستقیماً از طریق پایگاه دریایی روسیه در طرلوس در سوریه تأمین می‌شد اما حمله سال ۲۰۲۲ به اوکراین که دانیامیک در سوریه را تغییر داد باعث شد استراتژی کرملین زیر بار تناقضاتش سقوط کند. اگر این حمله رخ نمی‌داد شاید روسیه می‌توانست استراتژی خود را مدیریت کند. با تشدید تحریم‌ها، روسیه که به طور فزاینده‌ای از غرب منزوی شده بود، ایران را به عنوان یک شریک قابل اعتماد پذیرفت. مسکو در حالی که نیروهای زمینی خود را از سوریه دور می‌کرد و به اوکراین می‌کشید، حضور هوایی خود را در پایگاه هوایی حمیمیم حفظ کرد اما حمایت زمینی از دولت اسد را به نیروهای تحت حمایت ایران واگذار کرد. این هماهنگی‌ها در ابتدا در حفظ نفوذ

نیکول گراچوسکی / اور رابینوویتز
پژوهشگر بنیاد کارنگی / استاد روابط بین‌الملل

در ماه جولای ۲۰۱۵، ژنرال قاسم سلیمانی، فرمانده سابق نیروی قدس ایران، مخفیانه به مسکو سفر کرد تا درباره یک طرح اضطراری برای نجات حکومت اسد در سوریه که کنترل تقریباً ۸۰ درصد از خاک سوریه را در چهار سال جنگ داخلی از دست داده بود، با مقامات روس، گفت‌وگو کند. روسیه در آن زمان به‌تازگی به میانجی‌گری توافق هسته‌ای ایران در سال ۲۰۱۵، معروف به برنامه جامع اقدام مشترک، کمک کرده بود. سفر سلیمانی که سه ماه بعد از انجاش فاش شد، بر خلاف تحریم‌های مسافرتی سازمان ملل مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران انجام شد. با این حال، این دیدار آغازگر یک تحول ده‌ساله در روابط ایران و روسیه، از همکاری تاکتیکی در سوریه تا مشارکت نزدیک امروز بود. دو کشور اخیراً در در ژانویه ۲۰۲۵ توافقنامه مشارکت استراتژیک امضا کردند.

مداخله روسیه در سوریه، مسکو را مجبور کرد تا وارد یک روند موازنه‌ای ظریف بین ایران و اسرائیل شود چراکه به هر دو طرف روابط دیپلماتیک داشت. مسکو ضمن هماهنگی عملیات نظامی با ایران، کانال‌های دیپلماتیک خود را با اسرائیل حفظ کرد و حتی برای محدود کردن نفوذ ایران در سوریه اقدام کرد. اما حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲، همراه با واکنش این کشور به حملات حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ در اسرائیل، این توازن را بر هم زد، زیرا وابستگی فزاینده مسکو به فناوری نظامی ایران، این کشور را به تهران نزدیک‌تر کرد. یک دهه پس از سفر ژنرال سلیمانی به مسکو، ایران و روسیه روابط بی‌سابقه‌ای برقرار کرده‌اند که با توجه به انزوای هر دو از غرب و همکاری نظامی در اوکراین، تقویت شده است. امروز روسیه، که زمانی معمار توافق برای محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران بود، به یک عامل بالقوه برای برنامه هسته‌ای تهران تبدیل شده است. با تضعیف محور مقاومت در اثر واکنش اسرائیل به حمله ۷ اکتبر، سقوط اسد، و نبرد در اوکراین که وارد سومین سال خود شده است، مسکو و تهران به یکدیگر روی آورده‌اند. حمایت نظامی ایران از روسیه حیاتی شده است و توسعه برنامه هسته‌ای ایران با کمک روسیه به سرعت در حال تبدیل شدن به قوی‌ترین اهرم فشار ایران علیه اسرائیل و غرب است. از نظر ایالات متحده و اسرائیل، این رابطه جدید خطر استحکام بخشیدن به ظهور یک محور تأثیرگذار ضدغربی را دارد. اما یک کمپین «فشار حداکثری» علیه ایران، که ترجیح بسیاری در داخل دولت ترامپ است، ممکن است ایران هسته‌ای را به روسیه نزدیک‌تر کند. در عوض، ایالات متحده باید در یک مانور دیپلماتیک ظریف شرکت کند و آن چیزی نیست جز جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای بدون اینکه تهران را به آغوش مسکو بکشاند.

سوریه به‌عنوان یک میدان آزمایشی حیاتی برای همکاری نظامی ایران و روسیه بود. مسکو و تهران با وجود نداشتن تعهدات دفاعی رسمی با تجربه عملیات مشترک قبلی، چارچوب‌های جامعی را برای هماهنگی نظامی و دیپلماتیک ایجاد کردند که با دخالت نظامی روسیه در سوریه در پاییز ۲۰۱۵ آغاز شد. عملیات‌های هوایی وزمینی یکپارچه ایران و روسیه، به ارتش بشار اسد اجازه داد تا به طور موقت مناطق کلیدی را بازپس گیرد و عملاً حکومت سوریه را برای یک دهه دیگر بر سر کار نگه دارد. این مکانیسم‌های هماهنگی

